



بمناسبت شصت و ششمین سالگرد
انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر

شوراها و قدرت سیاسی

در ۲۵ اکتبر ۱۹۱۷، پرولتاریای روسیه بر رهبری بلشویکها با یک اقدام قاطع انقلابی به کلبه کج سریها و تزلزلات خورده بورژوازی که در سازش با بورژوازی اقدام قاطع انقلابی به کلبه بقیه در صفحه ۴

دانشگاه،

از سنگر آزادی تا لانه ارتجاع

در استانه گشایش رسمی دانشگاهها، گذری کوتاه بر وقایع پس از اردیبهشت خونین ۵۹ و بسته شدن دانشگاهها و چگونگی پیشبرد سیاستهای سرگوبگرا نه رژیم از ان مقطع تا کنون ما را باری میرساند تا عمق وحشت رژیم را از این دانشگاهها و چگونگی پیشبرد بقیه در صفحه ۷

نامه یک رفیق به نشر به کار

خاطراتی از رهبران حزب توده در زندانهای شاه

سنت ندامت کردن در حزب توده ایران

ایا رهبران حزب توده برای اولین بار به اظهار ندامت پرداخته اند؟ پس از کودتا ۲۸ مرداد، رژیم شاه شروع به دستگیری اعضا حزب توده نمود، تا ضربه نخوردن سازمان افسران حزب توده که ستون فقرات حزب را تشکیل میداد، بخاطر حضور افسران حزب در زندانها و دادگاههای رژیم، روحیه افسراد دستگیر شده بطور نسبی عادی بود، اما بعد از ضربه خوردن سازمان بقیه در صفحه ۹

سر مقاله

انتخابات مجلس و

مسئله تضادهای رژیم

با نزدیک شدن انتخابات مجلس شورای اسلامی در گریهها و تضاد های درونی رژیم افزایش چشمگیری یافته است. هر یک از جناحهای رقیب، تلاش دارد تا با تصاحب کرسی های بیشتری از مجلس و بالنتیجه کسب قدرت بیشتر در ارگانهای دولتی، منافع طبقاتی خویش را تضمین و تأمین نماید.

اساساً تضادهای فوق چیزی نیست جز تضاد جناحهای مختلف بورژوازی بقیه در صفحه ۲

در این شماره

یادداشت های سیاسی
صفحه ۱۶

ضمیمه خبری کار
صفحه ۴

پاسخ به سوالات
صفحه ۳

کمیته های مخفی اغتصاب را برای برپائی یک اغتصاب عمومی ایجاد کنیم

انتخابات

بقیه سر مقاله

رون حاکمیت و مسئله دست یابی مجلس نیز بدین معنا نیست که مجلس قدرت فائده در حاکمیت را نایندگی میکند بلکه این شورای نگهبان است که مصوبات مجلس را تأیید یا مردود می‌شمارد و پس از گذار از این مرحله است که مصوبات قابل اجرا میگردد.

جناح حجتیه بر این تصور است که با دستیابی بر اکثریت مجلس میتواند انطباق مجلس با شورای نگهبان را موجب گردد و بقول خمینی اساساً "قانونی خلاف مواضع شورای نگهبان به تصویب مجلس نرسد که لازم به وتوی شورای نگهبان باشد و مسئله ای نظیر دلتی شدن تجارت خارجی و ... پیش نیاید که مجلس تصویب کند و شورای نگهبان آنرا خلاف "موازین شرع" تشخیص دهد.

اما جناح رقیب نیز بر این تصور است که اگر بر کرسی های اکثریت مجلس دست یابد میتواند با توسل به احکام ثانویه و دیگر توجیهات اسلامی نقش شورای نگهبان را کاهش داده و سیاستهای خویش را به پیش برد و از آنجا که مسئله انتخاب و نایب کابینه از سوی مجلس مطرح است مسئله انتخابات مجلس برای قاضی جناحهای رقیب مسئله پیاپی عمده ای شده است.

چنانکه در مقالات گذشته کار و از جمله در مقاله گسست کابینه در رابطه با تضادهای درونی

رژیم متذکر شدیم، جریان حجتیه از آنرو که در کابینه در اقلیت قرار گرفته بود و نمیتوانست بشیوه خود اعمال قدرت نماید با مانور عقب نشینی برخی عناصر آن از جمله عسکر اولاد یوزیرکار از بزرگان و توکل و وزیر کار از کابینه و قدرت دلتی، سعی کرد در فرصتی مناسب وارد عمل شود و اکنون این موقعیت پدید آمده است تا با دستیابی بر مجلس مورد نظر و یکپارچه اعمال قدرت نماید چرا که شورای نگهبان را نیز در وجه غالب با خود همسو میکنند همچنین در آن مقاله گفتیم که دولت نیز از یک سلسله تظاهرات و حرکات توده ای منجمله در افسریه، خاکسپید، شهرکتهای اطراف کرج و ... سود جست تا چنین وانمود سازد که تمامی نابسامانیهای موجود ناشی از وجود این دو وزیر بوده و کناره گیری آنها نیز بهمت دولت صورت گرفته و با طرح این موضوع که ناراضی توده ها از این پس مرتفع خواهد شد و مشکلات کنونی دیگر وجود نخواهد داشت سعی کرد توده ها را بفریبد و البته تمامی این وعده و وعیدها پس از سرکوب اشکار حرکات توده ای صورت گرفت.

اکنون دولت در تداوم این سیاست و تحت پوشش مبارزه با محترکین و تجار، دست به یک سلسله دستگیریها از جناح رقیب زده است که موج دستگیریها در سطح سران و مسئولین مملکتی که بنحوی در ارتباط با عناصر حذف شده از

کابینه قرار میگیرند میباشد و شامل معاونین برخی وزارت خانه ها، نمایندگان مجلس، مسئولین اید-کولژیک ارگانهای سرکوب و ... را شامل میشود. از جمله طی دو ماه گذشته شفیق معاون وزارت بازرگانی (معاون وزیر بازرگانی سابق عسکر اولاد یوزیرکار) - منصوره معاون سیاسی وزارت خارجه، رخ صفت رئیس سازمان اقتصاد اسلامی (متشکل از - تجار بزرگ بازار)، پورا استا نماینده مجلس و همچنین دیگر نماینده مجلس خاموشی (البته ایشان دستگیر نشده فقط برای وی قرار ۵۰۰ میلیون تومانی صادر شده است) - رفیق دوست رئیس دایره سیاسی اید کولژیک سپاه و برادر محسن رفیق دوست وزیر سپاه، لاجوردی برادر دژخیم اوین جزو دستگیر شدگان میباشند. تعدادی از آنها با سپردن وثیقه آزاد شده و برای عسکر اولاد یوزیرکار میلیارد تومانی صادر شده و برای جلوگیری از تبلیغات ایشان دستگیر نشده است. همچنین معاون نخست وزیر در امور اصناف (عیوران) مستقر در نخست وزیر که جزو باند حجتیه بوده است نیز دستگیر شده و این بخش در نخست وزیری منحل اعلام گردیده است.

حکم دستگیری این عناصر از سوی دادگاه ویژه امور صنفی صادر شده یعنی حجت الاسلام - عزیزیان که از نزدیکان موسوی نخست وزیر میباشد و همانطور که متذکر شدیم این دستگیریها ظاهراً در ارتباط با مسئله گرا - بقیه در صفحه ۱۴

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

کار و کارگران و زحمتکشانشان و هواداران

پاسخ به سوالات

طی هفته های اخیر ، انتقادات متعددی از سوی رفقاً دریافت کردیم که اعلامیه مربوط به حملـه مسلحانه به سفارت ژاپن مندرج در کار شماره ۱۷۲ را مورد انتقاد قرار داده بودند . عمده انتقادات به مضمون اعلامیه و به درکی بود که از امپریالیسم ارائه شده بود . برخی از رفقاً نیز علاوه بر انتقاد به مضمون اعلامیه ، نقش این عملیات را نیز نادرست و خارج از مصوبات کنگره پیرامون جوخه های رزمی و عملیات - رزمی مجاز از سوی پیشاهنگ انقلابی ارزیابی کرده بودند . در اینجا سعی خواهد شد ابتدا در کلارائه شده در اعلامیه مورد نقد و بررسی قرار گیرد و مسئله ارزیابی نوع عملیات و فرصتی دیگر ماکول خواهد شد همانطور که رفقاً مطرح کرده اند ، در عین اینکه در این اعلامیه به تصمیمات کنفرانس ویلیامزبورگ متشکل از کلیه امپریالیستها اشاره کرده و مطرح میکند که ژاپن ماموریت یافته تا از طریق شرکت های چند ملیتی به حفظ و حراست از منافع امپریالیسم جهانی بپردازد متأسفانه در قسمت پایانی اعلامیه شاهد این جمله هستیم که " مبارزه با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا از کانال مبارزه با امپریالیسم ژاپن میگردد چنان درکی از مبارزه با امپریالیسم عملاً به نفی نقش سرمایه جهانی و عملیات شرکت های چند ملیتی در حفظ منافع

امپریالیسم جهانی منجر شده و پیوند امپریالیسم را با سیستم موجود خارج از مرزها جستجو میکند و سرانجام مبارزه با امپریالیسم را نه در مبارزه با سرمایه داری وابسته و رژیم حامی آن که در مبارزه با امپریالیسم ژاپن مینماید حال آنکه در عصر امپریالیسم و بویژه پس از جنگ جهانی دوم و پایان یافتن قاطع سلطه استعماری بر جوامع مستعمره و یا نیمه مستعمره تداوم استعمار بطور عمده از کانال روابط سرمایه جهانی (و بطور مشخص از طریق شرکت های چند ملیتی و بصورت صدور سرمایه ، صدور کالا و تصاحب بازار و صدور تکنولوژی و بچنگ آوردن منافع زیر زمینی اینگونه کشورها صورت میگیرد . دیگر تفاوت چندانی ندارد که اینگونه شرکتها از طریق قرار داد با کدام کشور وارد عمل شوند البته ملاحظاتی سیاسی و ارزیابی روحیات توده ها مورد توجه امپریالیستها قرار خواهد گرفت اما مسئله اساسی نقش و رابطه اسارتبار سرمایه است که تداوم وابستگی را تضمین کرده و منافع امپریالیستها را رقم میزند . دیگر تفاوت نمیکند که قرار داد های اسارتبار با ژاپن منعقد شود یا با برزیل و اروگوئه و پاکستان و ترکیه و تایلند ، تمامی این کشورها در زمین بهم پیوسته سرمایه جهانی بیکدیگر مرتبط گشته و بهم گره خورده اند فی المثل هم اکنون بدلیل رسوائی امپریالیسم آمریکا در پیشگاه خلق

قهرمان ایران رژیم جمهوری اسلامی حتی امکان وارد قرار داد مستقیم با آمریکا نمیشود و از طریق کشور های تحت سلطه آمریکا تحت پوشش های گوناگون وارد میشود مثلاً قرار داد با پاکستان و ترکیه که دو کشور کاملاً دست نشانده آمریکا هستند عنوان کشورهای مسلمان و همجوار بخود میگیرد و قرارداد های متعدد با دیگر کشورهای تحت سلطه نظیر برزیل ، آرژانتین ، اروگوئه ، تایلند و همچنین کشورهای امپریالیستی نظیر آلمان ، انگلستان ، فرانسه ، و ژاپن و نه تنها منافع امپریالیستها را تأمین میکند بلکه کل جهان امپریالیستی و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا سود میجویند هر گونه قرار داد با هر یک از کشورهای امپریالیستی و تحت سلطه ب مفهوم غارت دسترنج توده ها گستم دیده - ایران بوده و انحصارات امپریالیستی کارتلها و تراستهای بین المللی از طریق هر کشوری که در مدار امپریالیسم قرار دارد وارد عمل شوند منافع آنها بحیث کلیه کشورهای امپریالیستی سرازیر میشود . هر چند که گهگاه تضادهایی بین انحصارات امپریالیستی که در رأس دول امپریالیستی قرار دارند بروز میکنند که در چهار چوب سیاستهای متفاوت در شیوه استثمار و سرکوب میگردد اما کلیه امپریالیستها

بقیه در صفحه ۱۴

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اغتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

شوراها و ...

بقیه از صفحه ۱

بسط دامنه انقلاب را مختل کرده و جامعه را به ورطه هلاک و نیستی میکشانید، فائق آمد . انقلاب اکتبر نتیجه فرآیندی انقلابی است، که طی آن بیج توده ها حول عمل مستقیم انقلابی سازماندهی توده ای و مشارکت حداکثر توده ها در زندگی اجتماعی - سیاسی بکمال رسید و مبارزه حاد طبقاتی که عمداً " از طریق احزاب بنا ساز می شد، به چنان درجه ای از بلوغ رسید که در یک جامعه نسبتاً عقب ماند، (در مقایسه با اروپا و در ضعیف ترین حلقه زنجیره امپریالیستی اولین گت تام و تمام تاریخی که به استقرار دیکتاتوری پرولتاریا انجامید حاصل شد .

انقلاب اکتبر در سهای گران قدری را فرا روی پرولتاریا و پیشاهنگ قرار داده است، که از آن پس این در سها و تجارب همچون چراغ راهنمایی بر خدمت تدوین و اجرای خط مشی و تاکتیکهای انقلابیون کمونیست در ساج جهان قرار گرفته است . محور و مرکز ثقل مبارزه طبقاتی و بویژه از انقلاب فوریه تا اکتبر مساله قدرت سیاسی است . و حول همین مساله اساسی

هر انقلاب است که شدید ترین مبارزات ایققاتی و حاد تر بین بر خورد ها مابین احزاب اعم از انقلابی و ضد انقلابی بوقوع می پیوندد . ضد آرائی نیروهای ایققاتی و احزاب در فاصله فوریه و اکتبر و چگونگی بر خورد اینان با مساله قدرت سیاسی اس و اساس بر نوشت انقلاب را رقم زده ماهیت ایققاتی احزاب و چگونگی در کسان در بر خورد به قدرت سیاسی فصلی از تاریخ را بشرو روی پرولتاریا جهانی گترانیده که پر بار ترین آموزشهای مارکسیستی از آن منتج میشود . و اساس این آموزشها مانا چگونگی بر خورد با قدرت سیاسی است . همانا چگونگی برخورد ایققات و احزاب به این مساله اساسی انقلاب است که بر نوشت - انقلاب، بیروزی و یا شکست را بر انجام قلمی خود میراند . " مساله قدرت افزه رفتنی نیست و نمیتواند نا دیده گرفته شود . چرا که این مساله کلیدی تعیین کننده هر امری در رشد انقلاب میباشد داخلی و خارجی آن میباشد" (۱) اما صرف نظر از موانع ایققاتی نیروها و احزاب، درك از مساله قدرت سیاسی همواره سهل و شفاف نمیباشد . و این امر نه تنها در مورد قدرت سیاسی حاکم مابق است، بلکه بر مورد ان قدرت

سیاسی که شرائط عینی و ذهنی جامعه آنرا ایجاب مینماید و برای استقرار ان باید تدارک دید، نیز صحیح میباشد . بدون درك روشنی از این مساله و توضیح این امر برای توده ها نمی توان از مشارکت آگاهانه توده ها در امر انقلاب سخن گفت . بمان آورد . انقلاب يك دیگر - گونی کیفی در واقعیت اجتماعی است که بر انجامی معین فرا میرود و از این لحاظ مشارکت آگاهانه توده هائی است که آگاهانه و داراللبانه به این دگر گونی واقف گشته و آنرا به فرجام میرسانند . و از همین جا است که درك از قدرت سیاسی حاکم و نیز آن قدرت سیاسی که باید جایگزین قدرت سرنگون شده شود، از اهمیت درجه اول بر خوردار میشود . و در همین شناخت و درك از قدرت سیاسی است که نه تنها توده بلکه، حتی گاه عناصری از پیشاهنگ نیز دچار سر گشتگی و سطحی نگری شده و قدرت واقعی را از قدرت ظاهری تشخیص نمی دهد و از درك مضمون قدرت جان نشین و ایمانند کار عظیم بلشو یکپا بر هبیری لنین محتی در همین مساله متواخلانه بوده . کنار زدن برده ابهاط

شوراهای...

بقیه از صفحه ۲

و اوهاام از جهره دولت موقت، در هم کوفتن عبارت پردازیهای ژیبای اس-ارها و منشویکها که توده هارا در هر گام از شناخت طبیعت اصلی قدرت سیاسی حاکم مانع میشدند و مبارزه با توهمات خرده بورژوازی در باره قدرت سیاسی از یکسو و از سوی دیگر تبیین آن قدرت سیاسی و فقط آن قدرت، که ببط نامنه انقلاب و پیروزی قطعی انقلاب، فقط و فقط توسط آن میتواند میسر شود و فقط از آن طریق است که باز گشت سلطنت و ارتجاع بکنی منتفی میشود. و نشان دادن ضرورت استقرار این قدرت سیاسی به توده ها، در هر گام عملی مبارزاتیشان و از طریق شواهد روز مره، و بکار گیری تاکتیکها متناسب با این هدف.

در ادامه نگرش بر رویداد های موقعیت توده ها و احزاب و نقش بلشویسم در بطن انقلاب از فوریه تا اکتبر بر پایه ای از مهمترین دستاوردهای نظری و عملی بلشویسم پیرامون شوراهای و قدرت سیاسی تاهکید میکنیم.

بر بستر جنگ امپریالیستی، از هم با عهدگی اقتصادی و اجتماعی هر دم فزونی می گرفت، فقر و مسکنت زایدالوصف توده هارا به میدان کار زار روبرو با رژیم فرتوت تزار میکشاند. بورژوازی روس و امپریالیستهای انگلیسی و فرانسوی نیز که ادامه حکومت تزاری را در جهت منافع آنانست نمی یافتند در صدد جایگزینی سلطانی دیگر بودند. لنین در این باره میگوید: "کارگران انقلابی، برای انهدام سلطنت پلید تزاری کوشیده و بمیزان قابل ملاحظه ای آنرا منهدم نموده و تا آخرین عخت منهدم خواهند کرد، بدون اینکه ضعف یا شرمی به آنان دست دهد که در لحظات تاریخی معین و کوتاهیکه از لحاظ اوضاع و احوال خود جنبه استثنائی دارد کمانی نظیر گوجک و ملبیک و شرکا، با مبارزه خود در راه تمویج سلطانی با سلطان دیگر (که تر جیح میدهند از همان رومانفها باشد) بکشد آنها میابند" (۲) همین صف بندی نیروها اساساً متخاصم طبقاتی که در یک لحظه مشخص تاریخی آنها را در سر زگونی حکومت تزاری هم راستا

قرار میداد، پس از انقلاب فوریه خود را در قدرت دو گانه متبلور میکند. از یکسو زمانی که تزار از سلطنت کناره گیری می نماید، دولت موقتی تشکیل میشود که قدرت سیاسی طبقه زمینداران سرمایه دار و بورژوازی را نمایندگی میکند و از سوی دیگر، و قبل از کناره گیری تزار، کارگران و سربازان که طی یک سلسله اعتمادات منجم شده بودند به تشکیل شوراهای کارگران و سربازان بر اساس تجربه سال ۱۹۰۵ مبارزت مینمایند کارگران، دهقانان و سربازان با استفاده از فضای آزادی که در اثر انقلاب حاصل شده بود بطور مستقل به تشکیل شوراها می پردازند و اکثریت عظیمی از توده هارا این ارگانهای اقتدار توده ای سازماندهی میشوند.

عمار توده ها حتی قبل از سر زگونی تزار یعنی عمارهای "مرگ بر تزار"، "مرگ بر جنگ"، "مانان میخواهیم" و "حکایت از عمق تضادی داشت که دولت موقت بورژوازی را بالاخره در مقابل توده ها و ارگانهای اقتدار آنان قرار میداد. بلشویکها وظیفه

بقیه در صفحه ۶

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

شوراها و ...

بقیه از صفحه ۵

خود را در گشودن چشمان کارگران و دهقانان بر این تضادهای آشتی ناپذیر قرار دادند و حال آنکه اس-ارها و منشویکها آنها را پرده پوشی میکردند و بدین ترتیب ساله قدرت سیاسی، جگونگی بر خورد با بورژوازی و مضمون و رسالت شوراها در مرکز ثقل مباحثات و مساجرات قرار میگردد. در يك قطب بورژوازی ضد انقلاب قرار داشت و در قطب دیگر پرولتاریای آگاه، برهبری بلشویکها و در این میان احزاب اس-ار و منشویک در نقش دلان بورژوازی، دوده ما را به پشتیبانی از دولت را خوانده و شوراها را نمایندگان ارگران و دهقانان را که در آن کثرت داشتند، در خدمت استحکام قدرت بورژوازی قرار دادند.

رک خرده بورژوازی این احزاب و قدرت سیاسی که آنها را تئوریزه کرده و در پوششی تبیین مرحله انقلاب توده ما را میفریفتند و ابتکار عمل متقیم و انقلابی نان در خدمت تحکیم قدرت رزوازی ممانعت میکردند، رگترین مانع در انکشاف انقلاب بشمار میآمد. و از همین است که بلشویکها و بویژه لنین

بی رحمانه ترین حملات را بر علیه این احزاب مترنوا، خرده بورژوازی آغاز نمودند چرا که "بورژوازی نه فقط بوسیله زور بلکه همچنین باتکای فقدان آگاهی و سازماندهی طبقاتی، پراکندگی و بی حقوقی توده ها خودش را در رأس قدرت نگهدارد". (۲) احزاب اس-ار و منشویک نماینده سیاسی این توده های بی حقوق و فاقد آگاهی - که از همین رو دارای اکثریت در شوراها بودند - این "بی - حقوقی" و "فقدان آگاهی" را باز تولید میکردند. بدون مبارزه ای پیگیر بر علیه این نمایندگان سیاسی از سوی پرولتاریای آگاه امکان بطن دامن انقلاب و مبارزه جدی بر علیه بورژوازی فقط میتوانست لفاظی های دل خوش - کنگ باشد و بس. شیوه نگرش بلشویکها از یکسو و منشویکها و اس-ارها از سوی دیگر به حصلت و رسالت شوراها خود روشنگرانه است.

۱

نگرش بلشویکها به شوراها و نمایندگان کارگران و دهقانان از بیخ و بن با رز تعلق اس-ارها و منشویکها متفاوت است. از نقطه نظر بلشویکها شوراها "ارگانهای جنبش کارگران و

دهقانان و شکل حاضر و آماده دیکتاتورهای آنان بودند". حکومتی غیر رسمی در کنار حکومت موقت که اگر چه هنوز تکامل نیافته، نسبتاً ضعیف و در حالت جنبینی است، لیکن بهر حال موجود عملی و ملمس داشته است.

ترکیب طبقاتی این حکومت تکامل نیافته شامل پرولتاریا و دهقانان یعنی اکثریت جامعه است و حصلت سیاسی آن عبارت است از دیکتاتورهای انقلابی "یعنی قدرتی که مستقیماً بر تصرف انقلابی و ابتکار بلا واسطه توده های مرکز از پایین قرار دارد". این دیدگاهی است که بلشویکها راحتی در انقلاب سال ۱۹۰۵ در مقابل منشویکها قرار داد. ساله قدرت سیاسی همواره در صدر تاکتیکها و تحلیلهای بلشویکها از ارگانهای توده ای قرار داشت. لنین در باره "انقلاب ۱۹۰۵ میگوید: "تشکیلات منحصر بفرد توده ای یعنی شوراها که معروف نمایندگان کارگری، مرکب از نمایندگان کارگری تمام کارخانه ها در آتش جنگ شکل گرفت. در چندین شهر این این شوراها نمایندگان کارگری هر چه بیشتر شروع به ایفای نقش حکومت موقت انقلابی، بازار و رهبری قیام کردند." اگر توده ها

دانشگاه از

بقیه از صفحه ۱

سنگر آزادی و مبارزه، بتصور کشیم از آنجا که بمناسبتهای گوناگون و از جمله در سالگرد یورش خونین رژیم به دانشگاهها در اول اردیبهشت ۵۹ به نقش جنبش دانشجویی در تاریخ مبارزات خلق قهرمان ایران و به ویژه در جریان قیام ۲۲ بهمن و پس از آن بتفصیل سخن گفتیم و به ویژه نقش دانشجویان انقلابی را در افشای ماهیت جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی بر شمرده ایم، در اینجا به سیاستهای رژیم در قبال دانشگاهها پرداخته و به وظایف کنونی دانشجویان در شرایط کنونی بسنده میکنیم.

x x x x x

پس از سرکوب دانشگاه و کشتارهای وسیع و دستگیریهای گسترده، دانشگاهها تعطیل شد و دو ارگان بنامهای "ستاد انقلاب فرهنگی" و "جهاد دانشگاهی" که خود در تضاد با یکدیگر بودند بوجود آمد که مشکل از مزدوران و وابستگان رژیم بود و وجه وحدت آنها سرکوب دانشجویان انقلابی، اولین اقدام این ارگانهای سرکوب بررسی پرونده دانشجویان، دستیابی به آدرس دانشجویان انقلابی و دستگیری آنان بود. آن بخش از دانشجویان که به تعویض آدرس خود اقدام کرده بودند و دیگر در دسترس رژیم نبودند با تشکیل تورهای خیابانی متشکل از عناصر حزب اللهی و انجمن اسلامی دانشگاه بعضاً بدام افتادند که تعدادی بجوخه های اعدام سپرده شده و بخشی نیز در زندانها بسر میبردند.

در سال ۶۱ یعنی دو سال پس از بستن دانشگاهها رژیم اعلام کرد که دانشجویان برای پرکردن فرمهای مخصوص و ادامه تحصیل مراجعه کنند و از این رهگذر نیز تعدادی را بدام افکند. در این مرحله تودهایها و اکثریتی های خائن با پاسخگویی به پرسشنامه های رژیم مبنی بر معرفی فعالین جنبش دانشجویی، کمک شایان توجهی به رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی کردند و تعدادی از مبارزین را به مسلخ رژیم کشیدند. بگذریم از این که با این خیانت نتوانستند موجب ورود خود به دانشگاهها را فراهم کنند و تماماً" اخراج اعلام شدند. اندسته از دانشجویان که جهت پاسخ به پرسشنامه مراجعه نکردند بودند نیز بعنوان فراری تحت تعقیب قرار گرفتند که عکس و مشخصات آنها به تورهای خیابانی سپرده شده است بیان این نکته نیز ضروریست که وابستگان به رژیم گذشته و ساواکیها مشمول این تصفیه ها نشدند و در توجیه این امر مسئولین مربوطه متذکر شدند که آنها برای رژیم خطری ندارند. پس از گذشت این مرحله که دیگر به تصور رژیم "پاکسازی" کامل از دانشجویان آگاه و مبارز صورت گرفته بود و زمینه برای گشوده شدن دانشگاهسی "بی خطر" آماده شده بود تعدادی از دانشکدهها از جمله رشته های پزشکی، کشاورزی و برخی رشته های مهندسی شروع بکار کرد و مسئله کنکور و گزینند برای سال اول دانشکده ها اعلام شد. سرانجام در پاییز سال گذشته کنکور انجام شد اما

نتایج آن تا اردیبهشت ۶۲ بطول انجامید. در این مدت جدا از سهمیه ها مربوط به سپاه و بسیج و معلولین جنگ و... آنعده از محصلین که از لحاظ نمره حاص نصاب لازم را آورده بودند در تحقیقات محلی که پیرامون سوابق آنها صورت گرفت توسط مزدوران محلی انجام شد از لیست قبولشدگان حذف گردیدند بطوریکه پس از چند ماه که نتایج اعلام شد مشخص گردید که تعدادی از بااستعدادترین و با سوادترین شرک کنندگان در کنکور مردود شدند و این امر اعتراض بسیاری برانگیخت و هنگامیکه این باصداق مردودین به همراه خانواده در محل وزارت علوم و آموزش عالی تجمع کردند و با اعتراض دست جمعی خود مزدوران رژیم مورد بازخواست قرار دادند از سوئی با پاسداران سرمایه مواجه گردیدند که جهت کوب اجتماع کنندگان بانان بود آورده بودند و از سوی دیگر یکی از مسئولین وزارت علم صریحاً اعلام کرد که شرط قبول کسب نمره نیست بلکه اعتقاد به جمهوری اسلامی است. باید ترتیب جدا از سهمیه ارگانهای سرکوب و شرکت کنندگان جنگ ارتجاعی و معلولین که بهر حال بیش از نصف قبولشدگان را تشکیل میداد و البته شرکت آنها در کنکور جنبه تشریفاتی داشت و از قبل در لیست قبولی جای داشتند بقیه قبول شدگان علیرغم تلاش رژیم بدسر

بقیه در صفحه ۸

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اغتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

دلیل که نارضایتی عمومی از رژیم بسیار گسترده است در تحقیقات سطحی در موارد بسیاری از صافی های رژیم امکان عبور یافتند چرا که مردم حاضر به همکاری با رژیم نشدند و البته این عده رقم زیاد را تشکیل نمیدهند. باین صورت بود که سال اول تعدادی از رشته های مختلف از جمله رشته های پزشکی آغاز بکار کرد و کنکور برای سایر دانشکده ها نیز بهمین ترتیب انجام شده است و اکنون که چند ماه از برگزاری کنکور رشته های فنی میگذرد هنوز نتایج آن اعلام نشده و دوره تحقیقات و تفتیش عقاید را میگذرانند البته رژیم از آن رو مرحله به مرحله دانشکده ها را اجازه گشایش داد تا بتدریج سا- زماندهی لازم برای کنترل همه جانبه بر آنها را پدید آورد و این در حالی است که جمع کثیری از دانشجویان را سرسپردگان به رژیم تشکیل میدهند و تمامی این ترفند ها اوج وحشت رژیم از دانشگاهها را نشان میدهد. این روند در مورد استادان نیز پیشرفت. همزمان و مدتی پس از سرکوب دانشگاهها شناسایی و تعقیب استادان آگاه و مبارز آغاز شد و این امر ابتدا مشمول عناصر شناخته شده و فعال گردید که در جریان قیام و پس از آن نقش برجسته ای در همکاری با دانشجویان انقلابی ایفا کردند و مدتی پس از قیام در تشکیل کانون دکراتیک استادان نقش داشتند استادان مبارز و انقلابی عمدتاً دستگیر و در بندی جدا گانه در اوین جای داده شدند و تعدادی نیز بجوخه های اعدام سپرده شدند که از جمله آنها رفیق شهید فدائی خلق فرزند

بیگری استاد دانشگاه صنعتی بود سپس آنها که مخالف رژیم بودند اما فعالیت چمگیری نداشتند مشمول تصفیه های رژیم شدند و این تصفیه ها همچنان ادامه دارد بطوریکه طی هفته های اخیر با گشوده شدن دانشگاهها بار دیگر تعدادی از کارکنان دانشگاه تهران که عمدتاً استادان را شامل میشود از سوی هیئت باصطلاح بازسازی دانشگاه اخراج و برخی نیز باز نشسته شدند که شامل ۵-۶ نفر از دانشکده علوم ۵ استاد از علوم اجتماعی چند نفر از علوم تربیتی و تعدادی نیز از واحدهای دیگر اخراج شده اند. جالب اینکه احکام آنها مستقیماً ابلاغ نشده تا امکان اعتراض و تقاضای تجدیدنظر داشته باشند (مهلت اعتراض از تاریخ اعلام حکم ۱۵ روز است) و این عجله بدین خاطر بوده است که مهلت کار این هیئت پایان یافته بود و میخواست در آخرین روزهای ماه موریت ننگین خود به وظایف ضد انقلابی خود تمام و کامل پاسخ مثبت گوید. جالب تر اینکه طبق قوانین خود رژیم هیئت های بازسازی باید قبل از صدور حکم برای هر فرد به وی فرصت دهند تا ظرف یک هفته بطور کتبی یا شفاهی از خود دفاع کند این امر نیز صورت نگرفته و تنها روز آخر ماه موریت خود افراد اخراج شدند را احضار و آخر وقت همان روز نیز احکام اخراج را صادر کردند. اما خدمات شایان آنها به رژیم ضد انقلابی موجب گردید که علیرغم پایان یافتن ماه موریت ضد مردمیشان بار دیگر

در تاریخ ۱۴ مهر لایحه تمدید فعالیت هیئت های "بازسازی" دانشگاه با قید و وفوریت به مجلس رود (برای مدت ۵ ماه) که همانروز د وفوریت آن بتصویب رسید و خود قانون نیز در ۱۷ مهر تصویب شد تا کار تصفیه های آنان همچنان تداوم یابد. این همه در حالی است که رژیم بشدت با کمبود استاد مواجه است و از آموزش و پرورش و حوزه های علمی "استاد" به دانشگاه فرستاده اند در این میان جدا از تصفیه ها تعدادی از استادان که حتی وابستگی به هیچ سازمان انقلابی هم ندارند و مخالف رژیم هستند حاضر به همکاری با رژیم نشده اند و این نیز کمبود استاد را شدت بخشیده است. هم اکنون که حد و دشن هفته از گشایش تعدادی از دانشگاهها میگذرد، جو خفقان و سرکوب بر دانشگاهها سایه افکن شده است، کوچکترین تخلف در مورد عدم رعایت حجاب اسلامی از سوی دانشجویان دختر، موجب دواخطار و سپس اخراج دانشجویان میگردد صحبت دانشجویان دختر و پسر ممنوع است و هرگونه تجمع چند نفره شدیداً تحت کنترل و مراقبت جاسوسان رژیم مستقر در دانشگاهها قرار میگیرد. بعبارت دیگر حکومت نظامی موجود در جامعه در سطح وسیع تر و عریانتر در دانشگاهها سایه افکنده است اما واقعیت اینست که همه تلاشهای رژیم برای جلوگیری از ورود مخالفین خود به دانشگاهها چندان موفق نبوده است. بعلاوه همان بقیه در صفحه ۱۴

پیروز یاد مبارزات ضد امپریالیستی - دکراتیک خلقهای ایران

خاطراتی از

بقیه از صفحه ۱

افسران، رژیم توانست بتدریج رهبر-
ان باقیمانده حزب در ایران را - (که
اکثرا" بعد از کودتا فرار را برقرار
ترجیح داده بودند) دستگیر نماید
یزدیها، بهرامیها، وعباسی ها و
شرمینی ها و... در مدت کوتاهی
انان بنا به ماهیت طبقاتی خسود
صادقانه!! تمام اطلاعات خود را در
اختیار رژیم شاه گذاشتند و بقول رفتی
شهادت روزبه " بعد از دستگیری
دیگر اطلاعات و اسرار حزبی ای نبود
که رهبران حزب نگفته باشند."
بت رهبری برای اعضا و هواداران
حزب بعد از مدت کوتاهی شکست
زیرا میدیدند در بازجوییها برای گرفتن
اعتراف از انان، نوشته های رهبران را
جلوی انان قرار میدهند و بتسخیر
میگفتند " احتیاج به اعترافات و داد
اطلاعات شما نیست، فقط تصدیق کنید
حتی از روی نمودار تشکیلاتی رده و
جای متهم را نیز نشان میدادند.
چون زندان بحرانی بود و روحیه ها
پایین، برای نشان دادن پاسیفیسیم
حاکم بر زندانها و سقوط لفراد یکی
از وقایع را بازگو میکنیم:
یک روز بختیار معدوم ضمن سرکشی
به زندان قزل قلعه، طی سخنرانی
خود برای نادمین تاکید کرد که
" اگر باز هم اطلاعاتی دارید، برای
راحتی وجدان و اثبات صداقت
خود تا دیر نشده و خودمان به
ان دست نیافتیم، در اختیار ما قرار
دهید! و چند لحظه بعد، یکی از
زندانیان تودهای مصمانه بطرف
دفتر زندان رفت در حین راه رفتن
میگفت: " برای راحتی وجدان باید
این موضوع را نیز به تیمسار بگویم"
بعد از برگشتن معلوم شد، که

جمدانی از کتاب را در نزد همسرش
گذاشته بود و او انرا تا آن لحظه
پنهان نموده و به ما مورین رژیم
نداده بود. چند ساعت بعد فریاد
زن دستگیر شده که مورد تجاوز
باز جوها قرار داشت از اتاق باز-
جویی بلند بود و مردک مسزور
متفکرانه می گفت: " حقه! میبایست
قبلا" صداقت خود را نشان میداد
و جمدان را پنهان نمیکرد و حسالا
میتوانم براحتی زندان بکشم
منتظر باشم که بزودی مورد عفو قرار
گیرم.

رهبران در تمهید دیگر برای کاسه
لیسی رژیم، در جلساتی که در
زندان داشتند، تصمیم گرفتند
، چنین دستور العمل تشکیلاتی
صادر نمایند که " برای نجات از
زندان و یک زندگی شرافتمندانه
لازمست که اعضا و هواداران،
بعد از دستگیری، با در میان
گذاشتن همه اطلاعات خود چه
روابط سازمانی و چه امکانات
حزبی به بازجویهای محترم رکن
۲، اذیتهایی را که بازجو-
های محترم در اختیارشان قرار
میدهند امضا کرده و بـ
اثبات صداقت خود، انـ
اختیار مطبوعات رسمی بـ
چاپ قرار دهند." نوشتن ندامت-
نامه ها شروع شد و مصباح
زاده و مسعودی با منعکس
کردن انان در روزنامه کیهان و
اطلاعات هم وظیفه طبقاتی خو-
یش را انجام دادند و هم میلیونها
تومان بچیب زدند.
فرزند خلق، سرگرد وکیلی در
سلول زندان با خوش نوشت:
" ای نارفتیان
ای رفیقان روزهای طلائی
ندامت نامه هایتان را بر پیشانیان
بجسبانید

مسعودی ها را کویکه کبر
هرگز جزه حزب منحل شده نبوده،
ابتکارات رهبری باین تعلق گرفت،
که برای هدایت جوانان فریب
خوده!! تجربیات خود را در نشر
یهای بنام " عبرت" در اختیار جامعه
قرار دهند و چنین کردند و تمام
عقودت های تفکری خود را در این
نشریه به معرض تماشای همگان قرار
دادند.
ایا وقاحت رهبران حزب توده را
پایانی بود؟! هرگز!
رهبران در میزگرد های زندان به
این نتیجه رسیدند که میبایست
رکن ۲ همکاری کنند، در این مقطع
رژیم با استفاده از تجربیات امیرالیم
امریکا در تدارک ساواک بود.
و بدین ترتیب بود که رهبران خود
فروخته و مزدور حزب توده در سا-
واک جا خوش کردند، هتا به ماهیت
طبقاتی خود خواستند تیشه به
ریشه کونیوم بزنند. انان در بقل
پاکروان ها و احسان نراقی ها از
بیگانگی ایدئولوژی (م-ل) با
جامعه ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی
ایران دم زدند و...
و امروزه نیز رهبران اژانس حزب توده
به کارگردانی عموی خائن از مکتب و
سنت اسلامی دم میزنند اما وقاحت
انان و اینان را پایانی نیست
ابزدی برای خدمتگزار بیفکر،
مزدوری بین المللیها را
بذرفت. لژیون خدمتگزاران
بفر را ابداع کرد و با تماس
گرفتن با همسر در المان شرقی
برای سازمان سیا شروع بجاسوسی
نمود و....

در زندانها چه گذشت؟

رژیم وابسته به امیرالیم شاه
بقیه در صفحه ۱۰

خاطراتی از ...

بقیه از صفحه ۹

در سالهای ۳۵ - ۱۳۳۲ بعد از ضربه زدن به سازمان افسران حزب توده و خیانت رهبران آن مخصوصاً «شهادت روزبه» دیگر خیالش از جانب حزب توده راحت گردید و شروع به آزاد کردن زندانیان نادم نمود. اما بابه لجن کشیدن هر چه بیشتر آنان با آزمایشهای مختلف شروع بست چپین کردن آنان نمود. خائن ترین و کثیف ترین آنان را برای مزدوری در ساواک استخدام کرد و کسانی که نارای تحصیلات عالی بودند، در سازمان برنامه و در صدی از آنان که استانداردهای وقاحت را پشت سر گذاشته بودند، در زندانها باقی ماندند.

این در صد باقیمانده اعناء حزب توده که اکثریت آنان از باقی مانده های سازمان افسران حزب توده بودند، نشاندهنده کینه رژیم از عملکرد گذشته این سازمان بوده و تعدادشان بعد از سالهای ۱۳۳۸ تقریباً از ۱۵۰ نفر تجاوز نمیکرد که بعد از رفسرم ششم بهمن به کمتر از ۳۰ نفر تقلیل پیدا کرد و در استانه رستاخیز سیاهکل به کمتر از ۱۰ نفر تقلیل پیدا کرد بعد از سالهای ۱۳۳۵ و راحت شدن خیال رژیم

از جانب حزب توده رژیم رفته رفته فشار خود را از روی زندان کم کرد و مخصوصاً «زمانیکه زندانیان توده ای نشان دادند که هدفشان زندانی کشیدن است» مبارزه طبقاتی رژیم سعی کرد تسهیلات زیادی در اختیار آنان قرار دهد بطوریکه در دهه ۴۰ شاهد آنیم که هر کدام از آنان در حیاط وسیع زندان شماره ۴ قصر برای خود آلاچیق درست کردند، تمام وسایل آشپزی در اختیار آنان قرار داشت و حتی برای آشپزی آنان اجازه دادند که تعدادی از زندانیان عادی را استخدام کنند، آنان نیز باین توجیه که وقت آشپزی را میتوان صرف مطالعه کرده چنین میکردند!

مکانها شامل ملاقات بصورت بیک نیک با خانواده و بلور بسته جمعی از صبح تا شب در محواه زندان و گرفتن کتابهای مختلف (حتی مارکسیستی) بلور نسبی برایشان آزاد بود. زندانیان توده ای نیز با هدف زندان کشیدن شرافت مندانه شروع به تحصیل مکاتبه ای با دانشگاههای خارج از کشور نمودند همچنانکه خاننسی امثال عموشی و شلتوکی و جبری هر کدام با تحصیلات مکاتبه ای گواهی نامه نطقه کشی و حابرداری و ... از دانشگاههای انگلیس فارغ التحصیل

شدند. سنت یاد گرفتن زبانهای خارجی را برقرار نمودند. صبح بر خاستن، نه ورزش همگانی، بل هر کس بنا سلیقه خود، صبحانه سکوت صبحگاهی و نهار سکوت مطلق استراحت بعد از ظهر، ورزش و ایبال، دوش گرفتن، حمام و اخبار، با وجدان پاک سر به بالین گذاشتن و تا روز دیگر و روزهای دیگر، البته گوش کردن به رادیو مسکو و اظهار ضعف از اینکه، فلان ساووز یا کلغوز در فلان نقطه شوروی استناد دارد تعیین شده را پشت سر گذاشته از واجبات بود. اگر فلان عضو کاممول شوروی، در زمستان بخهای فلان رودخانه سیبری را شکسته و در آن شنا کرده بودند، اینان نیز بخهای حوض زندان را میشکستند و در آن آب تنی میکردند و این منتهای تفکر انترناسیونالیستی در گرفتار بود! تا ... اینکه در سالهای ۴۶ گروه جزئی - ظرفی به همت عنو بر سابقه و خوشنام حزب توده، یعنی عباس شهریاری، توسط ساواک شناسایی، دستگیر و بعد از شکنجه های زیاد و محاکمه و دفاع ایدئولوژیک به زندان قصر منتقل شدند. انسانهای دیگر، اما با همان ایدئولوژی (م.ل.) البته بقیه در صفحه ۱۱

خاطراتی از ...

نه از نوع رویزبونیستی و اپور-
تو نیستی) اما معتقد به قهر
انقلابی و سرنگونی رژیم زندان
را که برای آرامش و مطیع شدن
و مطالعه آکادمیک بل زندان را
برای ادامه مبارزه طبقاتی و
بوجود آوردن تئوری انقلاب و جبر
ضد انقلاب اجباراً قبول کرده بود
زندگی جمعی داشتند و مطالعه
چمعی، ورزش جمعی، زندگی کمونی
بود. الگوئی از کمون پاریس،
انسانهایی خستگی نا پذیر که
هر آن میخواستند دیوارهای
زندان را با مشت های گره کرده
خود خورد نمایند، از هیچ تهدید
واهمه نداشتند و برای رفتن به
اقیانوس خلق هر دقیقه و ساعت و
روز و شب نقشه فرار میکشیدند.
در تدارک آن به آب و آتش میزدند
هر آنچه زندانیان در اختیارشان
میگذاشت حق خود میدانستند، طالب
آزادی بودند منتظر رحم و شفقت
و مراحم شاهانه بلکه با قهر
انقلابی و سرنگونی رژیم بطور
پیگیرانه و خستگی نا پذیر در
تلاش برای فرار از این چهار
دیواری زندان!

نقشه فرار بصورت تصادفی منجر
به شکست شد هر کدام شکنجه و

زندان انفرادی و بعد تبعید به
نقاط بداب و هوا بطور انفرادی
از بدو ورود گروه جزئی - ظریفی
آرامش زندان بهم خورد سکوت
گورستان بدل به تکایو و جوشی
و حرکت گشت، این با ذوقیات و
عادات و فرهنگ زندانیان پسر
سابقه توده ای سازگار نبوده نقد
زندنها شروع شد. زندانیان نیز
هوغبارانه محوطه زندان را با
کشیدن دیوار دو قسمت نمود. از
آن ببعد قسمت جنوبی را شماره
۳ و قسمت شمالی را شماره ۴

نامیدنش
بعد از کشف طرح فرار رژیم برای
زهر چشم، با زرسی دقیق از بندها
را که سالها انجام نگرفته بود
شروع نمود. آلابیق ها نابود شد
وسایل آشپزخانه محدود گردید
ملاقات با خانواده ها پشت میله ها
صورت گرفت.

البته این محدودیت ها برای کسانی
که میخواستند حتی تا آخر عمر
" شرافتمندانه " زندان بکشند،
ناراحت کننده بود.

آنان هم این محدودیت ها را از
چشم گروه جزئی - ظریفی میدانستند
و با دید تنگ نظرانه و سازشکارانه
خود سالها با افسوس از روزهای
خوش گذشته یعنی ۴۶ - ۱۳۳۶ صحبت
میکردند و با تنفر و انزجار از
حرکت گروه جزئی - ظریفی یاد

می نمودند.

سال ۱۳۴۹ بعد از رستناخیز سپاهکل
آغاز جنبش نوین کمونیستی،
زندانیان دیگری از فرزندان
روزبه ها و وکیلی ها و تربیت
شده در مکتب جزئی ها و هوپانها
و احمد زاده ها و صفائی ها وارد
زندان شدند با مفاهیم و معیار
ارزش (م - ل) در گفتار و کردار
و تنفر از مئی رفرمیستی حزب
توده و معتقد به مبارزه مسلحانه
و خواهان اینکه زندان را میباید
به دانشکده اجتماعی بدل نمود،
باید در زندان کار ساخت، باید
تئوری انقلاب را فرموله نمود
زندانیان یک طبقه بی طرف نیست
بلکه جزئی از سیستم رژیم منظور
پهلوی است، میبایست با او نیز
مبارزه کرد. آنان وحشی از
شکنجه دو باره - تبعید شدن و
... نداشتند. بزودی تبعیدگها

از آنان پر عد، اما زندان شماره
۴۹ - ۱۳۳۶ خود را دوباره بدست
آورد. موج جدید زندانیان -
وارد میشدند. جو دگرگون شده،
رژیم در مرحله اول محدودیت های
زیستی، ملاقات و کتاب برای
تنبیه کردن زندانیان جدید بکار
برد، اما حربه کار ساز نبود
ضرورتاً " از سالهای ۵۱ به بعد
بقیه در صفحه ۱۲

خاطراتی از ...

هجوم سیستماتیک خود را به زندانها شروع کرده، نقاب از چهره درید مهر قدر مبارزه در بیرون توده‌ای میشد، هجوم رژیم به زندانها بیشتر میگردد. زندانیان توده‌ای نیز در این موج عظیم بالا و پایین می‌رفتند. آنان در انتظار شهریور ۵۰ بودند که بمناسبت جشنهای ۲۵۰۰ ساله مورد عفو هماپونی قرار گیرند اما رستاخیز سیاهکل، این امید آنان را بباد داده. مبارزات قهرمانانه زندانیان سیاسی تاثیرات خود را در جامعه منعکس میکرد و چو زندان نیز از مبارزه طبقاتی در جامعه متأثر میشد. در این تاثیر و موثرها زندانیان سابق توده‌ای که در حدود ۱۰ نفر بودند جا بجا میشدند.

در سالهای ۵۲ - ۴۹ آنان توسط زندانیان سیاسی دیگر اهزول شده و به اطاعتی بنا نهاده شده بودند. اما با هجوم رژیم و افت شور انقلابی در زندانها، از غلات خود درآمدند و شروع به تبلیغ مشی رفرمیستی خود نمودند. چنانکه در شورش زندان شیراز، مشهد، تهران بارها آنان را میانجی مابین زندانبان و زندانیان

سیاسی را داغ‌تند و در این رابطه توانستند عناصری از افراد متزلزل و زده را جذب نمایند میانجی شدن ما بین زندانبان و زندانیان سیاسی معتقد به سازش طبقاتی بودن، معتقد به مبارزه قانونی بودن، برای احقاق حق، نامه به داد رسی ارتش و ساواک نوشتن، تقاضای عفو کرد، مراسم وداع با نادمین انجام دادن و آرزوی زندگی، عرافت‌خانه برای نادمین کردن و در انتظار عفو شاهانه بودن و در بهترین حالت "عرافت‌مندان" به قانون زندان سر فرود آوردن، کارنامه ان تعداد ۱۰ نفر زندانی توده‌ای است که در طول ۲۵ زندان خود انجام دادند.

آنان از سال ۵۰ چه دانسته می‌دانسته ضربات زیادی بجنبش کمونیستی ایران فرود آوردند چه در زندانها چه از سال ۵۲ به بعد، در زندانها در سلولهای خود چون عنکبوت تار می‌بطنیدند و منتظر افراد متزلزلی میماندند که از مبارزه خسته شده باشند با یافتن چنین اشخاصی چون فرشته نجات تمام ضعف‌های افراد متزلزل را با تفکرات رفرمیستی خود توجیه میکردند.

اگرچه در گفتار با ایدئولوژی

مائوئیستی خط ۳ مخالفت و حتی دشمنی میورزیدند، اما در عمل برای زدن به مشی انقلابی و سلحانه در موقع لزوم، بطور بنهانی دست‌بندست، آنها - یعنی اعضا طوفان و سازمان انقلابی و ساکا - داده و چنانکه در انتخابات برای کمون سال ۵۱ در زندان شیراز و بعد از شورش شیراز به کارگردانی همین خائنین یعنی حجری و عموشی و در زندان مشهد به ریاست همین شلتوکی خائن، چنین وحدت‌های خائنه‌ای صورت گرفت.

آنها در زندانها حاضر نبودند در مقابل کارهای بالای سایر نیروها و سازمانها و گروهها از مشی رفرمیستی و خیانت‌های گذشته حزب صحبت‌کننده، یا خط مشی آنها را بنقد بکشند، آنان در مقابل شوال رفیقانه بسیار از زندانیان سیاسی، با لحنی طنز آمیز و شانه بالا انداختن طفره می‌رفتند. اما زمانیکه فردی از مبارزه سلحانه بریده بود، که در آن سالها کسانیکه چنین میکردند، آغاز دوران زه زدگی بود - شب و روز با آنان پلیمیک داشتند، اگر بتاریخ سی ساله رفیق کپور جزئی مراجعه کنیم، تمام جنایت‌های را که امروزه بقیه در صفحه ۱۳

خاطراتی از...

آنان در محضر لاجوردی، داستان جمهوری اسلامی به اعتراف نوشته اند، به رشته تحریر در آورده است، همین عمویی ها و غلتوکی و آصف رزمیده هاد ران سالها چنین نوشته ها را خدمت به سیا میدانند همانطوریکه امروزه مبارزه قهر- آمیز با جمهوری اسلامی را خدمت به امریکا میدانند.

گویی تاریخ برای افشا چهره رفرمیست ها بصورت بی رحمانه، پاره ای از آنان را در پستوی زندانها نگهداشت تا امروز رسالت خائنانه آنان را به نمایش گذارد آری، آقای عمویی، رهبران دیروزی خیانت هائی کردند، بخاطر آنکه کارگران و زحمتکشان ما آگاه نبودند و مادقانه فکر میکردند که عما حاملین ایدئولوژی مارکسیم لنینیم هستیم و از منافع آنان دفاع میکنیم، لزوماً تراژدی بعد از ۲۸ مرداد آفریده شد.

اما مردم ما، کارگران و زحمتکشان ما چهره کریه تان را بعد از ۲۸ مرداد خوب شناخته بودند و از آن منتظر بودند لحظاتی را بیاد آورید که در زندانها با آنکه سالها زندان کشیده بودید مورد

تغیر قرار داعتید و در آستانه قیام به همت چند نفر از نامدین سابقتان که بخاطر مقاطعه کاری و باز و بفروشی به نوابسی رسیده بودند، دفتر و دستک بوجود آوردید، با تفکر توطئه آمیز تان توانستید چند نفری امثال فرخ نگهدار ها و جمشید طاهری پور ها و کشتگر ها را به صفوف خود بکشید اما مبارزه - طبقاتی و ادار تان کرد خیانت های گذشته را نه در محضر خلق بلکه باز هم در محضر ضد انقلاب نه به نفع توده ها بل برای تخدیر آنان اقرار کنید.

مجبور شدید چون همبالگی خود یزدی و بهرامی و ۰۰۰۰ در بغل لاجوردی و موسوی اردبیلی و ۰۰۰۰ بنشینید. چون آنان شیپور را از سرگانش بنوازید و بگوئید (م- ل) يك مکتب هیگانه نسبت به سنت های اسلامی ایران است. ای خائنین! اگر بهرامی ها و یزدی ها و نیکخواه ها با خیانت خود توانستند مارکسیم را ابزوله کنند ندامت های شما نیز موثر واقع میشود. باز هم در سلولها اختصاصی خود، دور همدیگر جمع شوید و با تعظیم و تکریم به پاسداران سرمایه و بازجویان امکانات زیستی بیشتر طلب کنید

و بخاطر گرفتن يك وسیله آشپزخانه شاد شوید و آنرا الطاف زندانبان قلمداد کنید و گوش خود را از فریاد ها و شیون ها و ضجه های سایر زندانبان زهر شکنجه ببندید و بگوئید در زندانهای جمهوری - اسلامی شکنجه وجود ندارد و با زجوها فرزندان کارگران و زحمتکشان اند. نکنند، تهرانی ها و حسین زاده ها و عضدی ها و جوانها فرزندان خانواده سلطنتی بودند!

آری - اگر خیانت رهبران مسلوب توده در ۲۸ مرداد و در زندانهای تراژدی بود، اکنون دیگر مضحک است.

بقیه از صفحه ۱۴ نیست که سازمان شمار " مرگبر امپریالیسم جهانی بر کردگی امپریالیسم امریکا و پایگاه داخلی ان " را مطرح میسازد و بعنوان يك شمار استراتژیک در دستور کار قرار داده است این شمار ضمن اینکه پیوند جهانی امپریالیستهارا از طریق انظام سرمایه مالی مطرح میسازد و کردگی کلیه امپریالیستها را بدرستی امپریالیسم آمریکا میداند در عین حال مبارزه با امپریالیسم جهانی را نیز از طریق مبارزه با پایگاه های داخلی ان یعنی طبقه سرمایه دار و سیستم سرمایه داری وابسته ایسرا ن میداند و مبارزه ضد امپریالیستی نیز مفهومی جز این ندارد.

انتخابات

بقیه از صفحه ۲
 نفروشی و احتکار و ... صورت گرفته اما در واقع چیزی نیست جز تضعیف جناح رقیب در جرگه میان انتخابات، زیرا که با توجه به صدور قرارهای بازداشت و موقوف شدن دادگاهها به چند ماه دیگر عملاً این عناصر قادر به شرکت در انتخابات مجلس نخواهند شد.

اینگونه دستگیریها و برکناریها در عین اینکه انعکاس تضادهای درونی جبهه ضد انقلاب میباشد، خود بیانگر اوج بحران عمیق اقتصادی سیاسی حاکم بر جامعه و ناتوانی رژیم در پاسخگویی بدان و گرایشات گوناگون بورژوازی حاکم در ارائه راه حلهای متفاوت در حل بحران است و چنانکه شاهد آئیم کلیه جناحهای رقیب در حفظ موجودیت رژیم منافع طبقاتی مشترک دارند و در سرکوب جنبش توده‌های و سازمانهای انقلابی وحدت عمل کامل.

واقعیتی که رژیم با آن مواجه است تشدید روز افزون بحران همه جانبه اقتصادی سیاسی و نابودی محتوم آنست از آنجا که ترکیب حاکمیت را جناحهای مختلف بورژوازی تشکیل میدهد که نه در یک راستا بلکه در مقابله با یکدیگر عمل میکنند و این خود بحران زاست و با توجه به انتقال بحران جهانی امپریالیسم به کشورهای تحت سلطه‌ای چون ایران بحران موجود شدت وحدت بیشتری میابد، تمامی این تلاشها، که از سوی جناحهای رقیب صورت میگیرد خود به عاملی در جهت تشدید اضمحلال رژیم بدل خواهد شد.

عناصری را که رژیم بعنوان مدافعین خود به دانشگاهها روانه کرده، در روند روبه رشد جنبش و گسترش نا رضایتی عمومی از رژیم جدا شده و تنها بخشی از آنها که کاملاً سرسپرده و مزد بگیرند باقی خواهند ماند که بتدریج منزوی و همچون ساواکیهای دوران شاه مطرود میشوند و در اقلیت قرار خواهند گرفت بعلاوه برای یک انقلابی هر چند هم که شرایط دشوار باشد راه مبارزه گشوده خواهد شد، تنها انتخاب درست تاکتیک متناوب سبب با شرایط است و هم اکنون بدلیل جو خفقان حاکم بر دانشگاهها، پنهانکاری و رعایت اصول و ضوابط امنیتی بسیار با اهمیت میباشد شناخت دقیق‌دا-نشجویان و ایجاد ارتباط خارج از دانشگاه و ایجاد هسته‌های مقاومت قطعاً امکان پذیر است که باید از طریق اتحاد عمل با دیگر دانشجویان انقلابی صورت گیرد جدا از هسته‌های مقاومت که متکی بر ایدئولوژی نیست، هوا-

دانشگاه

از سنگر آزادی

بقیه از صفحه ۸

داران سازمان باید با تشکیل هسته‌های سرخ منسجم و آموزش سیاسی ایدئولوژیک و مطالعه دقیق نشریات سازمان و کسب رهنمودهای لازم به تقویت تشکیلات خود بپردازند و در عین حال فعالانه در کمیته‌های مقاومت شرکت کنند. دانشجویان آگاه و مبارز باید تلاش کنند تا نقش و واقعیت دانشگاهها را بدان بازگردانند و تلاشهای رژیم را در پدید آوردن جو سرکوب و خفقان خنثی کنند. باید دانشگاه به نقش پیشین خود یعنی میبند هر چه بیشتر با توده‌های کارگر و زحمتکش و شرکت فعال در مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک توده‌ها مبارزیدگردد و باید با دیگر دانشگاهها در خدمت آگاهی بخشیدن به مردم تحت ستم قرار گیرد.

کار و

بقیه از صفحه ۳

در مقابله با جنبشهای رهاغسی بخش و سوسیالیسم جهانی و اصل استثمار خلقهای تحت سلطه و پرولتاریای کشورهای امپریالیستی وحدت عمل کامل دارند و در تحقق اهداف خود رژیمهای دست نشانده‌ای را بر اینگونه کشورها تحمیل میکنند هر چند ممکنست شدت وابستگی این رژیمها متفاوت باشد اما تا زمانیکه

رژیمهای ارتجاعی و ضد خلقی بر کشورهای تحت سلطه‌ای نظیر ایران حاکم باشد قرار دایم‌ای اسارت بار تداوم خواهد یافت تنها ممکنست طرف مستقیم معادله تغییر یابد از اینرو قطع وابستگی به امپریالیسم و بعبارت دیگر مبارزه ضد امپریالیستی مفهومی بجز مبارزه با سیستم سرمایه‌داری وابسته ایران و رژیم حامی آن سیستم ندارد بی‌جهت

شوراها و...

بقیه از صفحه ۶

مبارزات بلشویکها در انتقال همه قدرت به این شوراها که در قطعنامه حزبی آنها " جمهوری دموکراتیک کارگران و دهقانان" می نامیدند، قرار داشت. اما این قدرت موازی با قدرت دولت موقت تحت رهبری منشیوکها و اس. ارها بر قدرت بورژوازی صحه گذاشت و از طریق سازش متقیم با آن حکومت و با از طریق يك سلسله گزینشهای واقعی، عملاً خود را بمثابة قدرتی ثانوی برسیت میناخت

۱۵ مه ۱۹۱۷

دموکراتیک هستند، از نوع کمون این نوع دولت مولود انقلاب است و تنها در زمانهای بحران انقلابی وقتی که خیزش توده ها به اوج میرسد و ابتکار عمل توده ای جایگزین تبعیت از قانون بورژوا میفود، تشکیل میابند. آن نوع دولتی که دیگر بمعنای احصی کلمه دولت نیست. بلشویکها خواهان استقرار چنین دولتی بودند و همانطور که گفتیم این دولت بحالت نا کامل وجود داشت، بنا بر این راستای

با تکه تجربیات سال ۱۹۰۵ بلا - فاصله به تشکیل ارگانهای خاص خود یعنی شوراها پرداختند، بلشویکها نیز با اتکا به تجارب غنی انقلابی سال ۱۹۰۵ و با توجه به شرایط جدید هر چه بیشتر درک از ماه خلط شوراها و قدرت سیاسی را تعمیق بخشیدند. در فقدان این تجارب و بدون درک دیالکتیکی از مبارزه طبقاتی و خلط قدرت سیاسی، بلشویکها نمی توانستند بلا فاصله خط مشی خود را در انقلاب تعیین کنند و خواستار انتقال همه قدرت بدست شوراها شوند. شوراها نوع عالی تری از دولت

شکست

بقیه از صفحه ۱۶

و از این راه پولهای گزافی بجیب میزنند. تمامی این فشارها سر- کوبها و اجحافات کشاورزان را مصمم ساخته تا دیگر در سال آینده به کشت برنج مبادرت نکنند و این مسئله از زبان اکثر کشاورزان شنیده میشود. هم اکنون در ادامه سیاست مقابله دولت با فروش آزاد برنج توسط کشاورزان، مزدوران و پاسداران رژیم در جادههای خروجی شهرهای مختلف گیلان و مازندران مستقر شده و ماشینهای مسافری را

بازدید میکنند و هر انکس را که برنج حتی در حد مصرف ماهانه خود نیز خریداری و حمل میکنند از وی میستانند و این در حالیست که برنج سهمیه شده از سوی دولت تنها ۱/۵ کیلو در ماه برای هر نفر تعیین شده که بهیچوجه کفاف مصرف مردم را نمیدهد و مردم ناچارند حداقل مقداری برنج از اقوام و اشنایان خود در شمال با قیمت کیلوئی ۴۰ تومان خریداری و حمل کنند تا مجبور نباشند همان برنج را در تهران و دیگر شهرها با قیمت کیلوئی ۹۰ تومان تهیه کنند در این رابطه در گریههای بسیاری بین مردم که مقداری برنج جهت مصرف خود حمل میکنند و پاسداران در جاده ها خروجی شهرهای شمال بوجود آمده که حتی در مواردی به دستگیری

حاملین برنج انجامیده است. اما همین برنجهای ضبط شده و انبار شده در کنار جاده ها، از خانه پاسداران و کمیته چپها و سردمداران رژیم سر در میآورد و موارد متعددی دیده شده که پاسداران اقدام به فروش اینگونه برنجها با قیمتهای چند برابر کرده اند اما راه حل تمامی این فشارها و تضیقات تنها و تنها مبارزه متحد و یکپارچه شالیکاران بر علیه رژیمی است که جز فقر و بد بختی و خانه خرابی و کشتار ارمغانی برای زحمتکشسان میهنمان نداشته است. رژیم جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت ضد خلقی و ضد مردمی اش هیچگاه نمی تواند جز این عمل کند و این را دیگر توده ها در تجارب روز مره خود بخوبی دریافته اند.



یادداشت‌های سیاسی

شکست مقتضخانه دولت در خرید برنج

مسئله خرید برنج از کشاورزان و موضوع مقاومت آنان از تحویل - برنج خود به دولت، طی ماههای اخیر موجب درگیریهای حساسی بین کشاورزان و عوامل رژیم شده است. بطوریکه علیرغم پیش‌بینی دولت مبنی بر خرید بیش از ۲۰۰ میلیون تن برنج از استانهای شمالی کشور، تاکنون بر طبق اعتراضات مقامات رژیم تنها ۱۳ میلیون تن برنج از استان گیلان و شاید در همین حدود از مازندران انهم با زور و اجبار و در سایه سر نیزه چکه پوشان رژیم خریداری شده است. علت مقابله شالیکاران با فروش - اجباری برنج به دولت بدین دلیل است که قیمت اعلام شده از سوی دولت بالغ بر ۱۹ - ۲۴ تومان در هر کیلو با احتساب مرغوبیت برنج میباشد و حال آن که با توجه به تورم افسار گسیخته که موجب افزایش سرسام آور - قیمت‌ها شده است شالیکاران با این قیمت حتی موفق نمیشوند مخارج کشت و برداشت محصول خود را بدست آورند و این در حالیست که اکثر برنجکاران باید مخارج سالانه زندگی روزمره

خود را از درآمد همین برنج تأمین کنند. حال با توجه به قیمت تعیین شده نه تنها نمی‌توانند زندگی یکساله خود را تأمین کنند بلکه حتی قادر نیستند مخارجی را که برای کشت صرف کرده‌اند بدست آورند در عین حال شاهد آنند که برنج حاصل از دسترنج آنان توسط تجار و عوامل رژیم در بازارهای آزاد بقیمتهای کیلویی ۲۵ - ۹۰ تومان فروخته میشود. کشاورزان زحمتکش شمال با توجه به این مسائل حاضر به فروش برنج با قیمت دولتی نیستند دولت در جهت مقابله با مقاومت کشاورزان و اادار - کردن آنان به فروش اجباری محصولشان به حيله‌های متعددی مستوسل گشته است از جمله کارخانههای برنج کوبی را به اشغال خود در آورده و بعضی مراجعه کشاورزان برای جدا کردن شلتوک از برنج، برنج - آنان را ضبط میکند و همچنین جاده‌های منتهی به شهرها را به اشغال در آورده و کشاورزان را در حین حمل برنج از روستا به شهر غافلگیر کرد.

و برنج‌های آنان را ضبط می‌کنند. در این رابطه موارد - متعددی دیده شده که کشاورزان دست به آتش زدن برنج خود میزنند از جمله در باهل کشاورزی در حین حمل برنج به منزل خود توسط بسیج، دستگیر میشود و چون حاضر نیست برنج خود را با قیمت تعیین شده از سر دولت بفروشد مورد ضرب و ستم مزدوران رژیم قرار میگیرد و اقدام به آتش زدن برنج‌هایش میکند و یا در هشتر طالش کشاورزی که حاضر به فروش برنج خود به قیمت ۲۲ تومان نبود و مطرح میکرد که مخارجش بسیار بیش از این بوده است بدنبال درگیری با پاسداران برنج خود را با آتش میکشد و عوامل رژیم از او میخواهند که با دریافت پول برنج ناپود شده اعلام کند که "ضد انقلاب" برنج را با آتش کشیده و این زحمتکش نمیدارد همچنین در اعتراض به سیاست دولت و اجحافات که به کشاورزان زحمتکش میگردد جمعی از کشاورزان رشت دست به راهپیمایی اعتراضی زده‌اند. از دیگر اعمال ضد خلقی رژیم مهر و موم کردن برنج ذخیره کشاورزان است که تولیدشان باندازه مصرف سالانه خود آنان بوده و یا بهر حال برنج تولیدی خود را به دولت تحویل نداده‌اند. نکته دیگری که خشم و نفرت این زحمتکش را برسر انگیزته است شیوه تعیین نوع مرغوبیت برنج است. عمال رژیم در این مورد نیز با نرخ گذا - ری مثلاً "برنج ۲۴ تومانی بقیمت کیلویی ۲۲ تومان حتی به قیمت تعیین شده خود نیز پایبند نیستند بقیه در صفحه ۱۵



ضرورت انتشار ضمیمه خبری کار

از این شماره ضمیمه خبری کار انتشار مییابد و همانطور که وعده داده بودیم بولتن خبری درونی جای خود را به ضمیمه خبری خواهد داد. انتشار ضمیمه خبری سراسری بصورتی که بتواند مهمترین وعده ترین حرکات اعتراضی توده ها را در برداشته و تجارب مبارزاتی توده ها در یک نقطه را به کلیه کارگران و زحمتکشان منتقل نماید یک ضرورت حیاتی است زیرا که خفقان ها کم امکان اشاعه اخبار مبارزات توده ها را محدود ساخته است و این وظیفه پیشاهنگ انقلابی است که توده ها را در جریان مبارزات و مقاومت های توده های سراسری قرار داده و در همین حال از جنایات و فجايع رژیم نسبت به کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم پرده بردارد. از تمامی رفقای تشکیلات خواستار ارسال منظم و سریع اخبار و گزارشات مربوط به مبارزات کارگران و زحمتکشان در سراسر ایران هستیم و از رفقای هوادار نیز میخواهیم از هر طریق که میتوانند اخبار جنبش توده های را برای نشریه بفرستند همچنین سعی شده است که این خبرنامه بطور مستقیم از کار تنظیم شود تا امکان تکثیر و پخش وسیع آن جدا از نشریه کار ممکن گردد زیرا که نشریه کار عمدتاً در سطح نیروهای پیشرو تهیه میگردد و ضمیمه بقیه در صفحه ۲

جنبش توده های

ترتیب ۹ مهر در خیابان اسکندری شمالی مزدوران رژیم با تهاجم به يك ساختمان طبقه که از مقطع انقلاب تا کنون توسط مردم مبارزه و مورد اعتقاد قرار گرفته بود حمله ور میشوند و ائانه مردم را بخوابان میریزند در این ساختمان ۲۰ خانوار زندگی میکردند که تماماً از مردم محروم و زحمتکش بودند در این رابطه سرکوبگران رژیم ۶۰ افغانی را بمزدوری گرفته به هر یک ۵۰۰ تومان میدهند و پانها میگویند که به ساختمان فوق حمله کرده و مردم را وادار به تخلیه کنند. این عمل جنایتکارانه در ساعت ۷ صبح روز شنبه ۹ مهر صورت میگیرد و مزدوران با تهاجم و وحشیانه خود تمامی وسائل موجود در آپارتمانها را بیرون میریزند. این ساختمان متعلق به سرمایه داری باس میزانی بوده است مردم بی خانمان شده در همان محل موقت پهن کرده و خیابان را می بندند و مینشینند و میگویند تا دولت بماخانه ندهد منطقه را ترک نمکنیم. پاسداران نیز مردم را محاصره میکنند تا از گسترش اعتراضات و حمایت دیگر مردم از این بقیه در صفحه ۳



جیش گاوگری

خوزستان

شرکت نفت - طی چهار ماه اخیر میزان پاکسازی و اخراج کارگران و کارمندان مبارز و ناراضی در شرکت نفت توسط هیئت بدوی پا - کساری به نقطه اوج خود رسیده است بطوریکه بنا بگفته چند تن از کارگران اخراجی تنها تعداد ۱۵۰۰ نفر از پالاشگاه آبادان اخراج شده اند. اکثر احکام اخراج بدون مزایا (اخراج با انفصال دائم از خدمات دولتی) بوده است که تعداد اندکی باز خرید (سابقه کار) شده اند. در این رابطه اگر احیاناً فردی باز خرید شده بر حکم خود اعتراض میکند حکم او به اخراج یا انفصال دائم تغییر میکند که به همین دلیل تعداد زیادی از اعتراض به احکام اولیه منصرف شدند و به همان باز خرید که البته نه بقیه در صفحه ۲

کمیته های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم

جنبش کارگری

بقیه از صفحه ۱
سالی دو ماه بلکه فعلاً بطور
علی الحساب سالی یکماه است)
تقاعد کردند. اکثر کارگران و
کارکنان پیشرو و آگاه مشمول
این سیاست ضد کارگری رژیم
شده اند.

تهران

اخیراً در شرکت واحد مد بریت
دست به اقدامات ضد کارگری و سیمی
زده است که از جمله آن تمویض
پاسداران اداره حراست با پاسداران
داستانی است و این پاسداران با
یک راننده شرکت درگیری لفظی
پیدا کرده و راننده زحمت کش
را بستگرو و به محل حراست میبرند
علت درگیری این بود که پاسدار
می خواست ماسکین را بگرد و با
مخالفتراننده مواجه شده بود
در همین رابطه دیگر رانندگان به
عنوان اعتراض در محل اداره حرا
ست تجمع کرده خواستار آزادی
همکار خود میشوند درگیری بالا
گرفته و حتی منجر به تیراندازی
هوائی از سوی پاسداران سرمایه
میشود اما بهر حال و سرانجام
راننده پس از یک ساعت توسط دیگر
همکاران ازاد میگردد. همچنین

بدنبال اقدامات ضد کارگری مد -
بریت مبنی بر افزایش ساعت کار
بصورت ۲ ساعت اضافه کاری اجبا
ری تعداد ۲۱۲ نفر از رانندگان
استعفا دادند (طی ماه جاری)
که با استعفای آنان موافقت
نشده است.

نجف آباد اصفهان

- حدود اوایل مهر ماه کارگران
شهرداری (فاضلاب) و شرکت گاز
نجف آباد که عموماً افغانی
هستند بدلیل کمی دستمزد و قطع
جای روزانه دست از کار کشیدند
نتیجه اعتراض معض نیست. نکته
قابل توجه این که شهرداری و
شرکت گاز نجف آباد جهت پرداخت
حد اقل دستمزد و مزایای ممکنه
و زمینه مناسب جهت جلو گیری از
اعتراض و در صورت وقوع سرکوب
بدون ترد سراز کارگران افغانی
استفاده میکنند.

زندانیها

- طبق اخبار رسیده رژیم طی
هفته با اصلاح جزئی اقدام به
کشتار و سیمی در زندانها
کرده است و حدود ۸۰۰ تن از
مبارزان و انقلابیون را که
حاضر به همکاری با رژیم
نبوده اند به جوخه های مرک

ضرورت

بقیه از صفحه ۱
خبری جنبه کاملاً توده ای دارد
از این پس اخبار کارگری و جنبش
انقلابی خلق کرد نیز در ویژه خبر
بچاپ خواهد رسید.
از آنجا که در سیستم خبر رسانی
نارسانیهائی وجود دارد و هم
چنین بدلیل محدودیت امکانات
همراه با هر نشریه کار یک ضمیمه
خبری منتشر خواهد شد و بتدریج
و با توجه به نیازمندیهای جنبش
و رفع نواقص موجود تلاش خواهیم کرد
انتشار آنرا بصورت هفتگی بانجام
رسانیم.

جنبش توده ای

بقیه از صفحه ۳
بودند پس از سه روز نگهداری
درگرمی به مشکین شهر فرستاده میشوند
این است پاسخ مزدوران رژیم
جنایتکار جمهوری اسلامی به مردم
زحمتکش که تنها بخاطر اولیسه
ترین خواست های زندگی خود
است به اعتراض زده اند.

سپرده است همچنین در حدود
نیمه نوم مهر ماه ۸۰ نفر از
فرزندان خلق قهرمان ایران
که در اوین نگهداری میشوند
اعدام کرده و هنگامیکه
خانواده های آنان برای
ملاقات مراجعه میکنند خبر
اعدام آنان را با اطلاع خانواده
هایشان می رسانند.

۴ ساعت کار، دو روز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است

جنبش توده‌ای

زحمتکشان مانعت بعمل آورند و بشدت مانع تجمع ما برین میشوند . یکی از این زحمتکشان در وسط خیابان ایستاده و برای ما برین جریان واقعه را توضیح میداد و از لباس پاره شده اش مشخص بود که با مزدوران گلاویز شده است . و یکی دیگر از زنان زحمت کش که بی خانمان شده بود می گفت : " خانم بخدا تو اون رژیم یک جور اسیر بودی تو این رژیم یکجور دیگر . . . اینها فقط حرف میزنند و ادعای هواداری از مستضعف می کنند اما اینها هم مثل همان رژیم هستند هنوز رژیمی نیامده که طرفدار ما باشد " همینطور که صحبت میکرد یکی از ما برین گفت " خانم ترا بخدا " یواشتر حرف بزنی " زن زحمتکش گفت چرا خانم مگه قتل کردم حق با ما و آخر عمر اینهاست " .

ماشینهای ژاندارمری و سپاه تا صبح روز بعد در محل حضور داشتند و مردم نیز تا صبح در خیابان خوابیدند سرانجام صبح روز بعد دولت برای ایجاد تفرقه در بین آنان چند خانه نواده را که ارتشی بودند در جای دیگر اسکان داد و تعدادی از خانه نواده‌ها نیز به خانه اقوام و خویشان رفتند تنها ۵ خانواده تا تاریخ ۶۲/۷/۱۵ یعنی حدود یک هفته در محل باقی ماندند . حتی پنجشنبه ۱۳ مهر که باران میبارید همچنان بهقاومت خود در خیابان ادامه دادند آنها میگفتند : درست است که مردم اتحاد نداشته باشند و همه رفتند اما ما اینقدر اینجا میمانیم که دولت بهاخونه بده "

وزن کارگری که در میان آنها بود میگفت : " اگر ما اتحاد داشتیم همان شب اول باید دوباره برمی گشتیم توخونه " . طبق آخرین خبر تا تاریخ ۶۲/۷/۱۸ هنوز تعصبات ادامه داشته است .

امام جمعه و فرماندار شهرستان گرمسار (نشت منان) اهل یکی از روستاهای اطراف گرمسار هستند بدنبال اعمال نفوذ این دو وزارت نیرو تصمیم میگردد باین روستا برق بدهد . اما سیم کشی از روستائی بنام " موغان " میگردد مردم این روستا به مقامات مراجعه و خواستار برق میشوند و میگویند وقتی از این روستا برای روستای گرمی برق میگردد چرا باین روستا داده نشود . اما باین خواست بحق مردم توجهی نمیشود مردم روستای موغان در تاریخ ۶۲/۷/۲۵ به روستای گرمی رفته و تظاهرات بر پا کرده و شعار مرگ بر فرماندار و مرگ بر امام جمعه میدهند . پس از گذشت زمان کوتاهی مزدوران سپاه بر کوب مردم زحمتکش موغان اقدام کرده و ۲۰ نفر از آنان را دستگیر میکنند ۱۵ نفر از زنان زحمتکش دستگیر شده به زندان معکین شهر منتقل میشوند و ۱۵ نفر کماز مردان روستا بقیه در صفحه ۲

فروتن اندوژی سران رژیم

هم اینک کل صادرات پسته توسط شرکت پسته رفسنجان صورت میگیرد . این شرکت متعلق به یوزلدنر رفسنجانی است . چندی پیش دولت اعلام کرد که در ازای صدور پسته تجار باید ارز خارجی را به بانک مرکزی تحویل داده و در مقابل ربا در یافت دارند تا ارز فوق بعنوان پشتوانه بانک در آید . اما شرکت پسته رفسنجان ارز حاصل از صدور پسته را تحویل نداد و از آنجا که پای مقامات مملکتی از جمله رفسنجانی در کار بود دولت قانون دیگری صادر کرد و آن اینکه تجار میتوانند ارز حاصل از صادرات را به واردات کالا اختصاص دهند و شرکت آقای رفسنجانی تعداد بسیاری تویوتا وارد کرده و با قیمتی چند برابر به ادارات دولتی و سپاه و کمیته و جهاد فروخت از جمله اخیراً ۳۰۰۰ دستگاه تویوتا وانست - از ژاپن وارد و به جهاد فروخته شده است .

بنگذار (سرپرست جدید شهر داری تهران) و لاجوردی جلاد اوین در هندوستان اقدام به ایجاد کارگاههای قالبی بافی کرده اند . وهم اکنون با کمک سه نفر کارشناس بلای نقشه های فرش ایرانی و استخدام ارزان کارگران هندی ، برای آید به نکتب بار خود پول ذخیره میکنند زیرا که آنها دوران چپاول و غارت در ایران را کوتاه میکنند .

گفتیته‌های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم



اشغال دفتر هواپیمائی ایران در فرانکفورت

روز چهارشنبه ۱۲ اکتبر (۱۲ مهر) ساعت ۱۰:۳۰ صبح دفتر هواپیمائی ملی ایران در آلمان (فرانکفورت) به اشغال رفقای هوا دار سازمان چربکهای فدائیس خلق ایران در آمد . این عمل بمنوان اعتراض به شرایط خفقان در ایران شرایط بد زندانها و وضع زندانیان سیاسی در ایران ، ترور و شکنجه روزمره بوسیله رژیم جمهوری اسلامی صورت گرفت . دفتر هواپیمائی نزدیک به یک ساعت در اختیار

رفقای هوا دار سازمان بود . طی این مدت رفقا عکسهای داخل دفتر هواپیمائی را پایشن کشیده و در سر در و داخل ساختمان اقدام به نصب آرم سازمان نمودند بیرون ساختمان نیز تعداد زیادی از ایرانیان و سایر مردم تجمع کرده بودند که بوسیله پخش تراکت و روزنامه در جریان هدف این تعرض قرار گرفتند . در پایان بیست تن از رفقای هوا دار بوسیله پلیس آلمان دستگیر شدند که بر طبق آخرین خبر آنها آزاد شده اند

اخبار زندانها

خانواده زندانیان سیاسی تبریز بدلیل لغو ملاقات زندانیان سیاسی در جلو زندان جمع میشوند و حالت تحن بخود میگیرند . پاسداران برای متفرق کردن آنها به مردم هورس میبرند که با مقاومت متشکل آنها مواجه شده مجبور به عقب نشینی میشوند و پس از مذاکراتی قول میدهند از هفته آینده ملاقات آزاد شود

افشای جنایات رژیم

نمایشگاه بین المللی کتاب در آلمان برگزار میشود که رژیم جمهوری اسلامی نیز در نظر داشت و قیامانه خود را طرفدار علم و هنر و ادبیات جا بزند که تعدادی از رفقای هوا دار در محل نما - یشگاه حضور یافتند و با اجرای مراسم خاص که توجه تمام ناظرین را جلب کرده بود (با ماسک خمینی صحنه هائی از خونت در ایران را اجرا کردند) و پس از آن بساط دروغ پردازی و عوام

فربانیه رژیم بر هم زده شد . در این محل رفقای هوا دار غرفه را اشغال کرده و بمنوان نمایندگی ایران در این نمایشگاه شرکت کردند و اقدام به فروش کتب و نشریات سازمان کرده و آرم سازمان را در غرفه نصب نمودند . مزدوران جمهوری اسلامی با ید بدانند که در هیچ جای جهان از خشم فرزندان خلق های ایران در امان نخواهند بود .

- در ادامه سر کوب های وحشیانه رژیم از باصلاح توابعین و خود فروختگان در ابتدای اتوبان کرج و همچنین زاندارسری زنجان منتقل شده اند تا انقلابیون را شکار کنند از جمله توابعین متفرق در زاندارسری زنجان ناصر ذین العابدی میباشد که قبلاً مجاهد بوده و اکنون به مزدوری رژیم در آمده است .

همچنین از عناصر فاسد شهرستانها برای شناسائی انقلابیون در شهر تهران استفاده میشود .
بقیه در صفحه ۲

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق